



مخاطب بتواند با آن ارتباط برقرار کند و این تفکر که قصه‌ای که در حال روایت است دروغ و دور از واقعیت است و بازنگی امروز او فاصله زیادی دارد و به دغدغه‌های او از گرانی‌ها و مشکلات اقتصادی تا اجتماعی گرفته ارتباطی ندارد، در مخاطب شکل نگیرد، قطعاً پذیرفته و دیده می‌شود و این واقعیت را فیلمسازان باید ببینند.

البته حسن فتیحی در اولین تجربه خود در شبکه نمایش خانگی یعنی «شهرزاد» توانست به این توفیق برسد و خیابان‌ها را خلوت کند. به نظر شما رسیدن به چنین اقبالی به این دلیل است که فتیحی رگ خواب مردم را در ساخت سریال‌ها پیدا کرده است؟ رگ خواب اصلا واژه درستی نیست! آقای فتیحی آموخته چگونه قصه بگوید و به درستی این کار را انجام می‌دهد و همان‌طور که گفتم فیلمنامه و قصه حرف اول را در رسیدن به یک نتیجه مطلوب می‌زند. حسن فتیحی خوب قصه می‌گوید و اثری نیست که توسط او ساخته شده باشد و مخاطب آن را ندیده باشد.

در انتها کمی از «منصور» و چالش‌های پیش‌روی که داشتید برآیمان بگویید. در «منصور» بزرگ‌ترین چالش ما این بود که با چه بازیگرانی باید کار کنیم. کارگردان اثر انتخاب کرد که به دلیل مستندگونه بودن فیلم باید از بازیگرانی استفاده کند که مردم آنها را زیاد نمی‌شناسند و به نظر من این پذیرش هوشمندانه و با درایت کامل بود چرا که باعث شد شکل روایت واقع‌گرایانه فیلم از بین نرود و کار به صورت متفاوتی ساخته شود.

برای نقش شهید ستاری تنها انتخاب شما محسن قصابیان بود یا گزینه‌های دیگری هم داشتید؟

گزینه‌های متعددی وجود داشت اما در نهایت بهترین انتخاب برای بازی در این کاراکتر محسن قصابیان بود.



هیچ کس فکر نمی‌کرد که نقش وکیل در سریال «زخم کاری» به عباس جمشیدی فر برسد چرا که او را همیشه در کارها و کاراکترهای کم‌دی دیده بودیم و این اولین باری نبود که من چنین انتخابی کردم، سال‌ها پیش نیز در سریال «میوه ممنوعه» من پیشنهاد بازی امیر جعفری را برای کاراکتری جدی و یا حتی منفی یا خاکستری را دادم در حالی که تا پیش از آن او را در کارهای کم‌دی دیده بودیم

آن بازیگری داشته باشند مگر اینکه عکس آن ثابت شود اما من معتقدم بازیگری نیز یک شغل است که مانند همه شغل‌های بزرگ دنیا نیاز به یادگیری دارد و زمانی که آن را درست یادگیری و علم آن را داشته باشی و درست تمرین و کار کنی در نتیجه اتفاق درست و مطلوبی نیز رخ می‌دهد.

یک زمانی ظاهر به ویژه چشم رنگی در انتخاب بازیگران اصل مهمی بود و صاحبان آثار در انتخاب‌های خود به این موضوع به صورت ویژه‌ای توجه می‌کردند، اما در این لحظه از این شرایط عبور کردیم و می‌بینیم به آن شدتی که ظاهر در انتخاب‌ها مهم بود، الان بازی و توانایی‌های بازیگران مهم است. نظر شما در باره عبور از فاکتورهایی این چنینی چیست؟

بله درست است، زمان زیادی است که از آن دوران عبور کرده‌ایم و اتفاقی که به شدت من را خوشحال می‌کند این است که الان نبوغ، توانایی و علم نسبت به فعالیت خود و پشتکار مهم‌ترین عناصر در انتخاب بازیگران است. در حال حاضر در رشته بازیگری مهم‌ترین ویژگی پشتکار است چرا که این حوزه نیاز به پشتکار بالایی دارد تا بتواند منجر به موفقیت شود. اگر پشتکار و تمرین و کار مداوم در بازیگری نباشد این موفقیت هرگز تحقق پیدا نمی‌کند.

شما در دو کار پربیننده «در پناه تو» و «مدار صفر درجه» حضور داشتید و احتمالاً می‌دانید که در حال حاضر سریالی را شاهد نیستیم که به واسطه آن خیابان‌ها خلوت شود. به نظر شما علت این اتفاق چیست؟

یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌ها قصه‌گویی است. در حال حاضر مشکل عمده سریال‌های ما این است که خوب قصه نمی‌گویند و این مهم‌ترین رکن در سریال‌سازی است. اگر اثری درست و به روز قصه بگوید و

باشد، تا چه اندازه این ویژگی برای شما دارای اهمیت است؟

دو شاخصه مهم یک بازیگر بدن و بیان است و بازیگران بزرگ اصولاً روی ابزارهای خود یعنی تخیل، بدن و بیان مسلط هستند. اما درباره بازیگرانی که نام بردید و خیلی از بازیگران خوب دیگری که در این کار حضور داشتند، فکر می‌کنم مهم‌ترین اتفاق تعامل خوب کارگردان با بازیگردان و فردی که انتخاب بازیگر را برعهده دارد می‌تواند نتیجه مطلوبی را با خود به همراه داشته باشد به این معنا که کارگردان‌ها همیشه به دلیل شلوغی فعالیت خود در سینما در یک چرخه مداومی در حال حرکت هستند و حضور فردی که انتخاب بازیگر را انجام می‌دهد می‌تواند باعث گستردگی دایره گزینه‌های آنها شود و انتخاب‌های متعددی را برای آنها ایجاد کند چرا که می‌تواند چهره‌های خوش‌انرژی و زیادی را وارد کار آنها کند که نتیجه آن تفاوت اثر با دیگر کارها شود.

از آنجایی که می‌دانیم شما یک مدرس تخصصی بازیگری دارید می‌خواهم بدانم که در آموزش به شاگردان خود روی چه اصول و فاکتورهای تأکید دارید و به آنها تمرکز روی چه توانایی‌ها و ویژگی‌های یک بازیگر را آموزش می‌دهید؟

در وهله اول علم بازیگری و در ادامه آن تمرین عملی را به آنها در آموزش تأکید می‌کنم و سومین چیزی که به شاگردانم گوشزد می‌کنم خواندن، کار کردن و تفکر مداوم است چرا که یک بازیگر تنها بازیگر نیست بلکه یک هنرمند است و باید آرتیستی باسواد باشد و باید با علم و دانشی درست در این مسیر حرکت کند و پیش رود.

اصلاً به نظر شما این جمله که می‌گویند «فلانی آن بازیگری دارد» درست است؟

من به این جمله‌ها اعتقادی ندارم و از نظر من همیشه همه چیز با تمرین و ممارست به دست می‌آید. همه ایرانی‌ها شاید از بدو تولد

